

شیوه اجرای قصاص از دیدگاه فقه امامیه

(تاریخ دریافت ۱۴۰۲/۰۹/۲۹، تاریخ تصویب ۱۴۰۲/۱۱/۱۸)

حضرت حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید حسن عابدیان کلخوران^۱

ابوالفضل کمر ديلمی

چکیده

در این نوشتار، به بررسی شیوه‌ها و روش‌های اجرای قصاص در فقه به صورت توصیفی تحلیلی پرداخته شده است. در این بررسی، مطالعه‌ای انجام شده و نتایج متعددی به دست آمده است. یکی از نتایج این مطالعه این است که استفاده از شیوه‌های جدید برای اجرای قصاص نفس، که کمترین آزار را به محکوم علیه می‌رساند، مانند اجرای قصاص نفس به شیوه اهدای عضو، نه تنها ممنوعیت شرعی ندارد، بلکه دارای فواید عقلانی بسیار است. این پژوهش با استفاده از روش توصیفی تحلیلی به بررسی شیوه‌ها و روش‌های اجرای این مجازات در کتب فقهی پرداخته است. شرایط فعلی جوامع و قوانین و مقررات بین‌المللی، گسترش رسانه‌ها و سایر عوامل دیگر، باعث شده که اجرای برخی از مجازات‌ها به شیوه‌های متفاوت از شیوه‌های شرعی موجب وهن اسلام و واکنش سریع افکار عمومی و نهادهای بین‌المللی شود. علاوه بر این، شیوه‌های مطرح در فقه ترقیات داشته و هدف اصلی شرع از حق قصاص نفس، به تناسب زمان و رشد فناوری، استفاده از شیوه‌ها و ابزارهای جدید می‌باشد. بنابراین، قانونگذار نه تنها متهم به عدم رعایت احکام اسلامی نمی‌باشد، بلکه مستحق تایید و تحسین است.

واژگان کلیدی: قتل، قصاص، مجازات، شیوه‌ها، فقه، امامیه



مقدمه

قصاص در ادیان آسمانی، به ویژه اسلام، سلب حیات آدمی به عنوان یکی از گناهان کبیره تلقی شده و در آیات و روایات بسیاری به حرمت جان انسان اشاره شده است. از گذشته تا امروز، نهاد قصاص در نظام کیفری اسلام به عنوان یکی از ابزارهای مؤثر برای مبارزه با جرائم علیه تمامیت جسمانی افراد جامعه مورد توجه قرار گرفته است. قصاص در اسلام، به طور همزمان با اعمال کیفری سنگین بر روی مجرم و ارتقای حقوق طبیعی بازماندگان، نقش پیشگیرانه‌ای نیز ایفا می‌کند. همچنین، قصاص در اسلام تأکید قوی بر جنبه‌های انسانی و اخلاقی دارد، مانند توصیه به بخشش، رعایت عدالت در تعیین میزان خسارت و حفظ اصل شفافیت در اجرای مجازات. امروزه، برخی از مکاتب حقوقی، به ویژه مکاتب غربی، تمایل دارند اعدام را غیرانسانی و مخالف حقوق بشر تلقی کنند و سعی در لغو اجرای آن دارند. با این حال، قرآن کریم اهمیت و عظمت مرگ و حیات یک انسان را تأکید می‌کند و معتقد است که حیات انسان به عنوان نمادی از رشد و تعالی بشریت باید مورد احترام قرار گیرد. بنابراین، احترام به جان انسان‌ها و جلوگیری از سلب زندگی‌شان اصل اولیه است. در مواردی که جان انسان به ناحق به خطر می‌افتد، قصاص به عنوان یک اصل اصلی در نظام کیفری وجود دارد، اما تخفیف و رحمت نیز به عنوان حکمی فرعی در نظام قصاص وجود دارد تا اجرای عدالت از طریق تخفیف مجازات ممکن شود. قصاص اصل است زیرا اجرای آن به خوبی حیات جامعه و امنیت عمومی را تأمین می‌کند.

بخش اول: مبانی نظری

از دیدگاه فقه امامیه، اجرای قصاص برای قتل عمد، شبه عمد و خطا می‌تواند به صورت زیر صورت بگیرد:

بند اول: قتل عمد (قصاص فی الجانب العمد)

در صورتی که شخصی قصد قتل یک نفر داشته باشد و اثبات شود که این قتل به صورت عمدی و با آگاهی و اراده صورت گرفته است، قصاص می‌تواند اجرا شود. در این حالت، خویشنداری از اجرای قصاص توسط خانواده قربانی و یا وکیل قانونی آنها مورد نیاز است. قصاص به صورت معادل کشتن قاتل انجام می‌شود. در فقه امامیه، اجرای قصاص برای قتل عمد به صورت زیر انجام می‌شود:



• اثبات قتل عمد

در ابتدا، باید اثبات شود که شخص متهم قصد قتل داشته است. برای این منظور، نیاز است که شواهد و مدارک مناسبی برای نشان دادن قصد قتل وجود داشته باشد. این مدارک می‌تواند شامل شهادت‌ها، شواهد فیزیکی، شواهد الکترونیکی و سایر شواهد قابل قبول باشد.

• خویشنداری خانواده قربانی یا وکیل قانونی

برای اجرای قصاص، خویشنداری از طرف خانواده قربانی یا وکیل قانونی آنها ضروری است. این به این معنی است که خانواده قربانی یا وکیل قانونی آنها باید درخواست اجرای قصاص را بررسی و تأیید کنند و موافقت خود را به اجرای قصاص اعلام کنند. (مرادی و شهبازی، ۱۳۹۴: ۵۱)

• اجرای قصاص

پس از اثبات قتل عمد و درخواست خانواده قربانی یا وکیل قانونی، قصاص به صورت معادل کشتن قاتل اجرا می‌شود. این به این معنی است که قاتل باید به همان شیوه و روشی که قتل انجام شده است، به قتل رسیدگی شود. در امامیه، اجرای قصاص به منظور اعمال عدالت و تأمین سلامت اجتماعی است. این به عنوان یک پاداش اجتماعی و نشانه‌ای از تأیید فرمان الهی در قبال قتل عمدی است که صورت گرفته است. با اجرای قصاص، انتقام درست و متعادل برای جبران صدمات وارده به خانواده قربانی فراهم می‌شود. هدف از اجرای قصاص در فقه امامیه، حفظ امنیت اجتماعی و التیام روحی اولیای دم است.

بند دوم: قتل شبه عمد (قصاص فی الجانب الشبه عمد)

در صورتی که اراده کلی برای آسیب رساندن وجود داشته باشد، اما قصد مستقیم کشتن نباشد، قصاص نیز اجرا می‌شود. در این حالت، اجرای قصاص نیازمند خویشنداری خانواده قربانی یا وکیل قانونی آنها است. قصاص در این حالت به صورت معادل کشتن قاتل انجام می‌شود. در قصاص شبه عمد، شخص متهم نه به طور مستقیم قصد کشتن داشته است، اما با اراده کلی برای آسیب رساندن به فردی، قصد آسیب رساندن جدی یا مرگ او را نیز داشته است. در این حالت، نیز قصاص قابل اجرا است، اما با توجه به خویشنداری خانواده قربانی یا وکیل قانونی آنها. برای اجرای قصاص شبه عمد، شروط زیر باید مورد توجه قرار گیرد:



• اثبات قصد آسیب رساندن

باید اثبات شود که شخص متهم قصد آسیب رساندن جدی یا مرگ فردی را داشته است. نیاز است شواهد و مدارک مناسبی برای این اثبات موجود باشد.

• خویشتنداری خانواده قربانی یا وکیل قانونی

برای اجرای قصاص شبه عمد، نیاز است که خانواده قربانی یا وکیل قانونی آنها موافقت خود را برای اجرای قصاص اعلام کنند و خویشتنداری خود را نسبت به این مسئله نشان دهند.

• اجرای قصاص

پس از اثبات قصد آسیب رساندن و درخواست خانواده قربانی یا وکیل قانونی، قصاص به صورت معادل کشتن قاتل اجرا می‌شود. در این حالت نیز، قاتل باید به همان شیوه و روشی که قتل انجام شده است، به قتل رسیدگی شود. هدف از اجرای قصاص در قتل شبه عمد، نیز حفظ امنیت اجتماعی، اعمال عدالت و التیام روحی اولیای دم است. با اجرای قصاص، انتقام درست و متعادل برای جبران صدمات وارده به خانواده قربانی فراهم می‌شود (محمدخانی، ۱۴۰۲).

بند سوم: خطا (قصاص فی الخطأ)

در صورتی که قتل به عنوان نتیجه‌ای از خطا و اشتباه رخ داده باشد، نیز قصاص قابل اجرا است. در این حالت، خویشتنداری خانواده قربانی و یا وکیل قانونی آنها مورد نیاز است. اما در قصاص خطا، مبلغ دیه (تعویضی) به جای قصاص ممکن است پذیرفته شود. این مبلغ به عنوان کمپانسیون به خانواده قربانی داده می‌شود. در قصاص خطا، قتل به عنوان نتیجه‌ای از خطا و اشتباه رخ می‌دهد. اگر اثبات شود که شخص متهم در حین ارتکاب یک عمل بی‌اراده یا خطا، به صورت غیرمستقیم و بدون قصد کشتن، قتل را انجام داده است، قصاص در این حالت قابل اجرا است. اما به جای اجرای قصاص، مبلغ دیه (تعویضی) ممکن است به جای آن پذیرفته شود (مولوی و تاجی، ۱۴۰۰؛ ۶۶۸). در قصاص خطا، شروط زیر باید مورد توجه قرار گیرد:

• اثبات خطا و عدم قصد کشتن

برای اجرای قصاص خطا، باید اثبات شود که قتل به عنوان نتیجه‌ای از یک خطا و اشتباه رخ داده است و شخص متهم قصد کشتن را نداشته است. نیاز است شواهد و مدارک مناسبی برای این اثبات موجود باشد.



• خویشتنداری خانواده قربانی یا وکیل قانونی

برای اجرای قصاص خطا، نیاز است که خانواده قربانی یا وکیل قانونی آنها موافقت خود را برای اجرای قصاص اعلام کنند و خویشتنداری خود را نسبت به این مسئله نشان دهند.

• دیه (تعویضی)

به جای اجرای قصاص، ممکن است مبلغ دیه (تعویضی) به خانواده قربانی داده شود. این مبلغ به عنوان کمپاناسیون برای خسارت وارده جبران می‌شود و تلاش می‌شود تا عدالت در جبران خسارت به خانواده قربانی حاکم شود. هدف از قصاص خطا، نیز حفظ امنیت اجتماعی و اعمال عدالت است. با پذیرفتن دیه به جای اجرای قصاص، تلاش می‌شود تا خسارت وارده به خانواده قربانی جبران شود و نشان داده شود که جامعه متعهد به حقوق افراد است، حتی در صورت بروز خطا و اشتباه. به طور کلی، در فقه امامیه، اجرای قصاص نیازمند خویشتنداری خانواده قربانی و یا وکیل قانونی آنها است و قصاص ممکن است با رعایت شرایط و ضوابط مربوطه صورت گیرد. هدف از اجرای قصاص در دیدگاه فقه امامیه، اعمال عدالت، حفظ امنیت اجتماعی و التیام روحی اولیای دم است.

بخش دوم: شیوه‌های اجرای قصاص در فقه امامیه شیوه‌های اجرای قصاص در

فقه امامیه

بند اول: عدم رعایت مماثله

در این قسمت به بیان شیوه‌های پیشنهادی اجرای قصاص، بررسی ابعاد و بیان نظرات فقهای شیعه پرداخته می‌شود: با توجه به مشاهدات، فقهای معروف امامیه به این باورند که شیوه اجرای قصاص نفس باید به گونه‌ای انجام شود که کمترین آزار را به مجرم تحمیل کند. این فقها به دو روش مختلف برای اجرای قصاص نفس اشاره می‌کنند. از یک سو، برخی از فقها تأکید می‌کنند که قصاص نفس باید با استفاده از شمشیر یا ابزارهای تیز صورت گیرد. این روش، باعث می‌شود جان مجرم به سرعت و با کمترین درد و زجر که ممکن است، از بین برود. از سوی دیگر، برخی فقها معتقدند که اجرای قصاص نفس با استفاده از روش‌های نوین نیز قابل قبول است، به شرطی که با معیارهای ارائه شده تطابق داشته باشد (جعفری و جباری، ۱۳۹۸؛ ۱۴۰). به عنوان مثال، صاحب جواهر معتقد است که قصاص نفس با استفاده از وسیله‌های کنده نباید انجام شود زیرا باعث آزار و



اذیت فرد می‌شود. او به روایتی از پیامبر اشاره می‌کند که می‌فرماید: "وقتی حیوانی را می‌کشید نسبت به او احسان کنید، یعنی او را با ابزار تیز بکشید تا حیوان زودتر راحت شود و انسان‌ها به این کار سزاوارترند. اما اگر فردی به دور از چشم حاکم شرع، قاتل را با وسیله‌ای کننده قصاص بدهد، فقط گناه کرده و تعزیر خواهد شد." این نقل قول نشان می‌دهد که برای فقهایی مانند صاحب جواهر، اهمیتی ندارد که مجرم قربانی خود را با وسیله‌ای تیز کشته است یا خنجر و کارد را به کار برده است. در نتیجه، قصاص نفس با استفاده از روش‌های دیگری مانند خفه‌دن، غرق کردن در آب و غیره، جایز نیست و تنها با استفاده از شمشیر به گردن اجرا می‌شود. علامه حلی نیز به همین نتیجه می‌رسد و معتقد است که قصاص نفس فقط با استفاده از شمشیر، خنجر، کارد و مشابه آنها قابل انجام است. علامه حلی نیز به همین نتیجه می‌رسد و معتقد است که قصاص نفس فقط با استفاده از شمشیر، خنجر، کارد و مشابه آنها قابل انجام است. او به دلایلی مانند کاهش آزار و زمان کشتن مجرم با استفاده از این وسایل اشاره می‌کند. به عبارت دیگر، قتل با شمشیر کمترین آزار را به مجرم وارد می‌کند و جان انسان با خروج خون زودتر از بدن خارج می‌شود. اما استفاده از روش‌های دیگری که آزار بیشتری به مجرم وارد می‌کند، مانند خفه کردن، غرق کردن در آب و غیره، جایز نیست. در نتیجه، این دسته از فقه‌های امامیه عقیده دارند که قصاص نفس باید تنها با استفاده از شمشیر یا وسایل مشابه آن اجرا شود و استفاده از روش‌های دیگری که ممکن است آزار بیشتری به مجرم وارد کند، مورد قبول نیست. - حضرت علی (ع) در مورد ابن ملجم که قاتل او بود، سفارش کرد که اگر او را قصاص کردید مثله نکنید (لنکرانی، ۱۴۲۸، ص. ۳۵۷).

۲- اسحاق بن عمار ساباطی می‌گوید: از امام صادق (ع) در باره معنای اسراف در آیه «فلا یسرف فی القتل» سؤال کردم، امام فرمود: اسراف آن است که شخصی غیر از قاتل قصاص شود یا قاتل مثله شود (حرعاملی، ۱۳۸۷، ج ۱۹، ص. ۹۵). در روایت موسی بن بکیر از امام کاظم (ع) سؤال شده که مردی، مرد دیگر را با عصا زیر کتک گرفت، آن قدر زد تا او مرد، امام فرمود: قاتل را در اختیار اولیاء مقتول قرار می‌دهند (تا قصاص کنند) ولی به آنان اجازه نمی‌دهند که عذاب کردن قاتل را مایه لذت خود قرار دهند؛ بلکه باید با شمشیر قصاص او را تمام کنند.



مانند این روایت، روایت حسن حلبی و روایت صحیح کنانی است که از امام صادق (ع) سؤال می‌کنند: مردی دیگری را با چوب دستی آن قدر زد تا مُرد، آیا آن قاتل را به اولیا دم می‌دهند تا او را بکشد؟ امام فرمود: آری ولی اجازه نمی‌دهند که با او بازی کنند و با گردن زدن باید کار او را تمام کنند (حرعاملی، ۱۳۸۷، ج ۱۹، ص. ۹۹).

بند دوم: درخواست ولی یا اولیاء دم و اذن آنها در اجرای قصاص

در فقه امامیه دو دیدگاه متفاوت در مورد ولی مقتول و کسی که حق قصاص برای او به وجود می‌آید، وجود دارد. یک نظریه این است که متولی قصاص، کسی است که وارث اموال مقتول می‌باشد، اعم از مرد و زن و خویشاوندان بدون واسطه و حتی کسانی که به واسطه والدین با مقتول مرتبط هستند. تنها زن و شوهر علی‌رغم این که از اموال یکدیگر ارث می‌برند، حق قصاص ندارند، این دیدگاه بین فقهای امامیه مشهور است. نظریه دیگر که خلاف مشهور است، حق قصاص را فقط برای خویشاوندان ذکور پدری قائل است و خویشاوندان مادری، چه مرد باشند و چه زن، حق قصاص ندارند. نتیجه این قول در واقع این است که زنها حق قصاص و طبعاً حق عفو ندارند، فرق نمی‌کند که خویشاوند پدری باشند یا مادری. براساس این قول نیز زن و شوهر و همچنین مادر و آن که از طریق او به مقتول مرتبط می‌شود، حق قصاص نخواهد داشت. تنها تفاوت این دو نظریه در مورد مادر و کسانی است که از طریق او به مقتول مرتبط می‌شوند و از او ارث می‌برند. در فقه امامیه، درباره ولی مقتول و کسانی که حق قصاص برای آنان به وجود می‌آید، دو دیدگاه متفاوت وجود دارد (مجیدی، ۱۳۹۳؛ ۱۶۸).

۱. دیدگاه اول: براساس این دیدگاه، متولی قصاص کسی است که وارث اموال مقتول می‌باشد، چه مرد و زن و خویشاوندان بدون واسطه باشند. با این تفسیر، تنها زن و شوهر علی‌رغم این که از اموال یکدیگر ارث می‌برند، حق قصاص ندارند. این دیدگاه در بین فقهای امامیه مشهور است.

۲. دیدگاه دوم: در این دیدگاه، حق قصاص را تنها برای خویشاوندان ذکور پدری قائل هستند و خویشاوندان مادری، چه مرد باشند و چه زن، حق قصاص ندارند. این تفسیر نتیجه می‌دهد که زن‌ها حق قصاص و طبعاً حق عفو ندارند، بدون توجه به اینکه خویشاوند پدری باشند یا مادری. بر اساس این دیدگاه، زن و شوهر و همچنین مادر و آن کسی که از طریق او به مقتول مرتبط می‌شود و از او ارث می‌برند، حق قصاص نخواهند داشت. تفاوت اصلی بین این دو دیدگاه در مورد مادر و



کسانی است که از طریق او به مقتول مرتبط می‌شوند و از او ارث می‌برند. در دیدگاه اول، آن‌ها همچنان حق قصاص را دارند، در حالی که در دیدگاه دوم حق قصاص برای آن‌ها نادیده گرفته می‌شود (مسجدسرائی و فیض، ۱۳۹۸: ۲۱۲).

حضور دو شاهد

یکی از شرایطی که برای اجرای قصاص به صورت استجبایی بیان شده، حضور دو شاهد آگاه است. این استجباب به معنی توصیه و تشویق به این امر است و ممکن است مراد صاحب شرایع نیز همان استجباب باشد، اما ما دلیل قطعی بر استجباب آن نداریم. تعلیلی که برخی از فقها برای استجباب حضور دو شاهد در اجرای قصاص بیان می‌کنند، این است که برای جلوگیری از نزاع و اختلاف، می‌بایست شاهدان حاضر شوند تا در صورت بروز اختلاف، شهادت دهند. اما این تعلیل فقط مفید استجبایی برای رعایت احتیاط است و دلیل قطعی بر استجباب شرعی آن وجود ندارد. بنابراین، تعبیری که صاحب جواهر در توضیح عبارت "شرایع" ارائه داده است، به استجباب اشاره می‌کند و ممکن است مراد صاحب شرایع نیز همین استجباب باشد. اما ما نمی‌توانیم دلیل قطعی بر استجباب آن را بیان کنیم و تعلیلی که محقق بیان کرده است، فقط به ما ارشاد می‌دهد که برای جلوگیری از نزاع، شاهد بگیریم و نه اینکه استجباب شرعی داشته باشد. (آقائی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۵) با توجه به توضیحاتی که ارائه کردید، به نظر می‌رسد که درباره شرایط استجبایی برای اجرای قصاص و حضور دو شاهد آگاه، ابهامی وجود دارد. تعلیلی که برخی از فقها برای استجباب حضور دو شاهد در اجرای قصاص بیان می‌کنند، این است که این شاهدان برای جلوگیری از نزاع و اختلاف باید حاضر شوند و در صورت بروز اختلاف، شهادت دهند. این تعلیل ممکن است به عنوان یک توصیه برای رعایت احتیاط و جلوگیری از اختلافات تعبیر شود، اما دلیل قطعی بر استجباب شرعی آن وجود ندارد. به عبارت دیگر، استجباب حضور دو شاهد آگاه در اجرای قصاص ممکن است به عنوان یک توصیه و تشویق به عمل در نظر گرفته شود، اما این استجباب به صورت مطلق و قطعی نیست و ما نمی‌توانیم دلیل قطعی بر استجباب آن را بیان کنیم. تعلیلی که محقق که ارائه دادید، به ما ارشاد می‌دهد که برای جلوگیری از نزاع و اختلاف، شاهد بگیریم، فقط به عنوان یک توصیه برای رعایت احتیاط می‌تواند در نظر گرفته شود. این



توضیحات نشان می‌دهند که ممکن است صاحب شرایع در تعبیر خود از "شرایع" به استحباب اشاره کند.

بخش سوم: ماهیت قصاص در فقه امامیه

برای تشخیص حق از حکم از سوی صاحب نظران اسلامی ملاک‌ها و ضوابط مختلفی ارائه شده برخی عقیده دارند برای تشخیص باید به آثار آن توجه کرد چنانچه این آثار قابل نقل و انتقال باشد این سلطه و توانایی حق است و در غیر اینصورت حکم است و برای تشخیص علاوه بر معیار فوق باید به امر دیگر که همان مفاد ادله است توجه کرد چون حق و حکم هر دو نتیجه ادله شرعی و قانونی است گاهی ادله بیانگر این معنی است که اراده شخص در نتیجه حاصل از آنها تأثیری ندارد و در اینصورت این نتیجه حکم است و در غیر اینصورت حق است و با توجه به اینکه قصاص از شئونات و اختیارات من له الحق است و شارع مقدس در قصاص حکم به جواز آن نکرده بلکه جعل سلطنت از برای صاحبان حق کرده است لذا می‌توان گفت که قصاص از مصادیق حق است و قصاص یک حق غیرمالی است چون با اجرای آن نفع مادی و قابلیت تقویم به پول برای اولیای دم از بین می‌رود و حقی است که قابل اسقاط است و از حق الناس است. (فروغی، ۱۳۹۱؛ ۷).

تشخیص حق و حکم، موضوعی پیچیده است که در اسلام و قوانین شرعی مطرح می‌شود. عقیده برخی از نظران اسلامی این است که برای تشخیص حق باید به آثار آن توجه کرد و در صورتی که آثار قابل نقل و انتقال باشند، به آن تشخیص حق می‌دهند و در غیر اینصورت به آن تشخیص حکم می‌دهند. علاوه بر این معیار، نیاز است به دیگر معیارها و ادله‌ای که مفاد آنها استفاده می‌شود، توجه کنیم. در اینجا از دو مفهوم "حق" و "حکم" استفاده می‌شود. حق و حکم هر دو نتیجه ادله شرعی و قانونی هستند. در صورتی که نتیجه ادله، اراده شخص را تحت تأثیر قرار ندهد، به آن حکم می‌دهیم و در غیر اینصورت به آن حق. اما باید توجه داشت که این تعریف عقیده برخی از نظران است و ممکن است دیدگاه‌های دیگری نیز وجود داشته باشد. در مورد قصاص، اشاره شده است که این امر از شئونات و اختیارات خداوند است و به عنوان حقی غیرمالی در نظر گرفته می‌شود. قصاص به معنای اجرای عدالت در مورد جنایات خاصی است که در اسلام تعیین شده است. با اجرای قصاص، نفع مادی و قابلیت تقویم به پول برای آلای دم از بین می‌رود. قصاص یک حق است که قابل اسقاط است و از حقوق انسانی استفاده می‌کند. در اینجا نظریه‌ای



درباره ماهیت قصاص ارائه شده است و باید توجه کرد که این نظریه ممکن است با دیدگاه‌های دیگری در این زمینه متفاوت باشد. در علوم شرعی، نظرات مختلفی وجود دارد و ممکن است نظرات دیگری نیز درباره ماهیت قصاص وجود داشته باشد. به طور کلی، تشخیص حق و حکم موضوعی پیچیده است که نیاز به بررسی دقیق ادله و معیارهای مختلف دارد. نظرات مختلفی در این زمینه وجود دارد و لازم است به توجه به ادله و مفاد مربوطه، تشخیص درست را ارائه دهیم.

بخش چهارم: اجرای علنی قصاص نفس در فقه امامیه

در فقه اجرای قصاص به صورت علنی یا غیرعلنی موضوعی است که در فقه مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. برخی از مورخین و فقها معتقدند که اجرای قصاص به صورت علنی توجیهی دارد، زیرا این روش می‌تواند از ارباب و ترس مردم و در نتیجه کاهش جرائم و افزایش امنیت جامعه منجر شود. این تفسیر بر اساس آیه ۱۷۹ سوره بقره استوار است که می‌فرماید: "برای شما در قصاص زندگی است، ای اهل فطرت و عقل" با این حال، توجه داشته باشید که حکمت‌ها و اصولی که برای احکام بیان می‌شوند، به خودی خود الزام بر اجرای حکم در یک شیوه خاص ندارند مگر اینکه علت وجود آنها برای حکم ثابت شود. در اینجا، حکمت بیان شده در مورد قصاص می‌تواند مبنایی برای استدلال در صدد اثبات جواز اجرای علنی قصاص باشد، به ویژه در شرایطی که موانعی برای اجرای علنی قصاص وجود ندارد. ممکن است ادعا شود که اگر قصاص به صورت غیرعلنی اجرا شود و سپس اعلام شود که قصاص انجام شده است، همان حکمت مذکور برقرار خواهد شد. با این حال، واضح است که اجرای قصاص به این روش و تنها شنیدن اجرای قصاص، نمی‌تواند همان اثرات ترس‌آور اجرای علنی را داشته باشد (بایی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۶۳). در نتیجه، بررسی و بحث درباره اینکه قصاص باید به صورت علنی یا غیرعلنی اجرا شود، از جانب فقها و مورخان ادامه دارد و تصمیم نهایی در این باره با توجه به تفسیر و ارائه آراء مختلف ایشان اتخاذ می‌شود.

بخش پنجم: مزایای بهره‌گیری از شیوه اهدای عضو در اجرای قصاص نفس در فقه امامیه

مزایای زیر در شیوه اهدای عضو در اجرای قصاص نفس وجود دارد:

۱. رنج آوری کمتر در مقایسه با دیگر شیوه‌های اجرای قصاص نفس.



۲. نوعی آرامش معنوی و تشفی خاطر را برای محکومیت به قصاص به همراه خواهد داشت و از پاداش اخروی عمل خویش نیز بهره مند خواهند گردید.

۳. تأثیر اقتصادی اجرای کیفر از این طریق نیز مسئله کم اهمیتی نیست، زیرا در بسیاری از موارد و به خصوص در آن هنگام که جانی نقشی ویژه در حیات اقتصادی خانواده ایفا می‌نماید، اجرای کیفر قصاص نفس موجبات اختلال در این حیات اقتصادی را فراهم خواهد آورد. به بهره‌گیری از شیوه اهدا عضو و نیز پرداخت ما به ازای اعضای اهدایی به خانواده جانی، در حقیقت در مسیر مرتفع نمودن بخشی از این مشکلات اقتصادی گام برداشته‌ایم.

۴. استفاده از این شیوه اجتماع را نیز مزایای قابل توجهی برخوردار خواهد نمود. چرا که در حال حاضر تعداد اعضای دریافتی از داوطلبان اهدای عضو، پاسخگوی درخواست‌های نیازمندان و متقاضیان دریافت عضو نمی‌باشد. در فقه امامیه، اجرای قصاص نفس به صورت حمله‌ای (بدنباله‌دار) انجام می‌شود. در این روش، خانواده قربانی حق تصرف در خون قاتل را دارند و می‌توانند به جای اجرای قصاص، از طریق اهدای عضو، نجات زندگی یا بهبود شرایط سلامتی یک یا چند نفر را تضمین کنند. این روش به طور کلی مزایای زیر را دارد:

- نجات زندگی: با اهدای عضو، می‌توان زندگی یک یا چند نفر را نجات داد. این امر باعث می‌شود که خانواده قربانیان قادر باشند به جای اجرای قصاص، زندگی افراد دیگر را نجات دهند و به این ترتیب، نفع مشترک و جامعه را در نظر بگیرند.
- بهبود شرایط سلامتی: علاوه بر نجات زندگی، اهدای عضو می‌تواند باعث بهبود شرایط سلامتی افرادی شود که به عضو جدید نیاز دارند. به عنوان مثال، اهدای کلیه به یک فرد مبتلا به نارسایی کلیه، می‌تواند به او امکان زندگی طبیعی را بازگرداند.
- رعایت ارزش‌های انسانی: اهدای عضو به جای اجرای قصاص، نشان می‌دهد که خانواده قربانیان نه تنها به دنبال اجرای عدالت و قصاص هستند، بلکه از اهمیت حفظ جان و سلامتی افراد دیگر نیز اهمیت می‌دهند. این عمل به رعایت ارزش‌های انسانی و اخلاقی می‌پردازد.
- افزایش قدرت حلقه‌های اجرایی: با استفاده از اهدای عضو، نیاز به اجرای قصاص نفس در بسیاری از موارد کاهش می‌یابد. این امر می‌تواند منجر به افزایش قدرت و



ظرفیت حلقه‌های اجرایی و قضایی شود، زیرا مسئولین نیازی به پیگیری اجرای قصاص در هر مورد خاص ندارند.

بخش ششم: جایگاه رضایت اولیای دم در اجرای قصاص در فقه امامیه

۱. اولیای دم در قضایا و مسائل قصاص نفس نقش مهمی دارند. آنها حق انتخاب بین اجرای قصاص یا تسامح را دارند. اما این اختیار فقط در محدوده تصمیم‌گیری درباره اجرای قصاص یا عدم اجرا آن قرار دارد و نه در انتخاب شیوه اجرا.
۲. معنای لغوی واژه "قصاص" به معنای تنگیز، تعقیب و پیگیری است. در قضایا قصاص نفس، معمولاً اولیای دم حق اختیار درخواست اجرای قصاص یا تسامح را دارند. اما این اختیار به معنای برگزیدن شیوه اجرا توسط آنها نیست. شیوه اجرا باید با توجه به ضوابط و مقررات شرعی و حقوقی تعیین شود و آنها باید با توجه به این ضوابط، تصمیم بگیرند (احمدی، ۱۴۰۲: ۱۵).
۳. در صورت وقوع جرم قتل، نمی‌توان تمامیت جسمانی قاتل را به اولیای دم واگذار کرد تا ایشان به هر شیوه‌ای که می‌خواهند، قصاص را انجام دهند. این مسئله از طریق روایات نیز تأیید شده است. بنابراین، این اختیار اولیای دم فقط در انتخاب بین اجرای قصاص و عدم اجرا آن است و نه در انتخاب شیوه اجرا. بنابراین، می‌توان گفت که اولیای دم در قصاص نفس حق اختیار درخواست اجرای قصاص یا تسامح دارند، اما اختیار آنها درباره شیوه اجرا نیست. شیوه اجرا باید با توجه به ضوابط و مقررات شرعی و حقوقی تعیین شود و اولیای دم باید با رعایت این ضوابط، تصمیم‌گیری کنند. در فقه امامیه، جایگاه رضایت اولیای دم (خانواده قربانی) در اجرای قصاص نفس بسیار مهم است. امامیه، یکی از مذاهب فقهی شیعه است و در این مذهب، قصاص نفس به عنوان یکی از اصول جزایی اسلام مورد تأکید قرار دارد. اما در همین حال، رضایت اولیای دم از اجرای قصاص نفس و اهدای عضو جایگاه مهمی دارد. برخی از مفسران و فقها در فقه امامیه معتقدند که اگر اولیای دم (خانواده قربانی) به اهدای عضو موافقت کنند و رضایت خود را اعلام کنند، می‌توان به جای اجرای قصاص، از اهدای عضو استفاده کرد. به عبارت دیگر، رضایت اولیای دم می‌تواند به عنوان یک استثناء در اجرای قصاص نفس در نظر گرفته شود (مرادی،



این نظر بر اساس مبانی شرعی و اصول فقهی مورد استناد قرار می‌گیرد. در قرآن، به مواردی اشاره شده است که نشان می‌دهد رضایت خانواده می‌تواند در تعیین حکم و تنظیم تعهدات جرمی تأثیرگذار باشد. به عنوان مثال، در آیه ۱۷ سوره البقره، اشاره به خواسته قربانیان قتل به خانواده مجرم و امکان تصافی دادن (جبران خسارت) توسط خانواده مجرم در صورت موافقت آنها است. بنابراین، در فقه امامیه، رضایت اولیای دم در اجرای قصاص نفس و اهدای عضو دارای اهمیت است. اما باید توجه داشت که شرایط و مقتضیات اجرای قصاص نفس و اهدای عضو بسیار پیچیده هستند و نیاز به تشخیص صحیح و تفسیر معتبر از طرف فقها و علمای متخصص دارد (نیازی، ۱۳۹۸: ۴۰).

نتیجه‌گیری

با توجه به فقه امامیه، قصاص نفس یکی از اصول جزایی اسلام است و در صورتی که شخصی جان یا اعضای بدنی دیگری را به طور غیرمجاز بگیرد یا باعث مرگ یا آسیب جدی به فرد دیگری شود، می‌توان قصاص را اجرا کرد. قصاص به معنای انتقامی متناسب با جرم مرتکب شده است. با این حال، در فقه امامیه، رضایت اولیای دم (خانواده قربانی) در اجرای قصاص نفس نیز مورد توجه قرار می‌گیرد. اگر خانواده قربانی به ترک قصاص و موافقت با دیه (جبران خسارت) یا غفران کفار موافقت کنند، قصاص ممکن است به جای دیگری مانند پرداخت دیه یا اعمال کفار بر اساس توافقات قربانی و خانواده‌اش تبدیل شود. بنابراین، در فقه امامیه، جایگاه رضایت اولیای دم در اجرای قصاص نفس بسیار مهم است و می‌تواند تأثیرگذار باشد. اما در همین حال، قصاص نفس به عنوان یک اصل جزایی اسلامی با اهمیت قابل تأکید است و در شرایطی که رضایت خانواده قربانی برای ترک قصاص وجود ندارد، قصاص می‌تواند اجرا شود.



منابع و مآخذ

۱. احمدی، سیدمهدی و الهی، حمیده، ۱۴۰۲، قواعد فقهی حاکم بر قصاص، نهمین کنفرانس بین المللی و ملی مطالعات مدیریت، حسابداری و حقوق، تهران
۲. آقائی، سیدمرتضی، دانشورثانی، رضا، داداش نژاد دلشاد، داوود. (۱۳۹۸). ادله فقهی قاعده «لا شفاعه فی الحد» و امکان سنجی آن در قانون مجازات اسلامی. فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۱۱(۲۱)، ۷-۳
۳. بابایی، حمید، قیوم زاده، محمود، & آهنگران، محمد رسول. (۱۳۹۸). مبانی نظری اجرای علنی مجازات ها از منظر جامعه شناسی جنایی (بررسی نظریه جرم شناسی جامعه شناختی برچسب زنی). تحقیقات حقوقی بین المللی، ۱۲(۴۶)، ۲۵۷-۲۸۴.
۴. جعفری، مجتبی، جباری، مصطفی. (۱۳۹۸). تأملی در عدول ولی دم از حق قصاص پس از شروع عملیات اجرای حکم (نقد و بررسی آراء فقها در چارچوب مصالح اجتماعی). فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۷(۲۶)، ۱۳۵-۱۶۲.
۵. مجیدی، سید محمود. (۱۳۹۳). جلوه های گرایش به نظم عمومی در مقررات قصاص نفس در قانون مجازات اسلامی. فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۲(۶)، ۱۶۵-۱۸۱.
۶. محمدخانی، عباس. (۱۴۰۲). پژوهشی تازه پیرامون موانع اجرای قصاص. فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۱۱(۴۳)، -
۷. مرادی، حسن، & شهبازی، علی. (۱۳۹۴). عنصر معنوی قتل عمدی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲. فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۴(۱۳)، ۴۳-۷۰.
۸. مرادی، حسن. (۱۳۹۵). تحلیل فقهی - حقوقی عفو جانی توسط مجنی علیه از مرگ. فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۵(۱۶)، ۹-۲۸.
۹. مسجدسرائی، حمید، & فیض، زهرا. (۱۳۹۸). جستاری در روائی محرومیت زوجین از «حق قصاص». فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۸(۲۸)، ۲۰۷-۲۳۸.
۱۰. نیازی، محمداسماعیل. (۱۳۹۸). شیوه اجرای قصاص از دیدگاه فقه حنفی و امامیه. دوفصلنامه مطالعات حقوق اسلامی، ۱۳۹۸(۱۱)، ۳۷-۵۶.